

عنوان: دراین کور اعظم نسائی قیام نمایند که غبطه مردان گردند

قسمت روحانی

- ۱- مناجات شروع
- ۲- لوح مبارک حضرت بهاء الله
- ۳- مجموعه نصوص مبارکه حضرت بهاء الله
- ۴- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء
- ۵- مجموعه نصوص مبارکه حضرت عبدالبهاء

قسمت اداری

- ۶- این قرن بدیع شئونات رجال را بیشتر ممزوج با کمالات و فضائل نسوان نماید
- ۷- نقش زنان در ترویج صلح
- ۸- زنان و توسعه
- ۹- شعر: بانوی ایرانی
- ۱۰- شورومشورت
- ۱۱- برنامه نونهالان و نوجوانان عزیز

قسمت اجتماعی

- ۱۲- الفت و پذیرایی
- ۱۳- مناجات خاتمه

دوستان و همراهان عزیز الله ابھی

این برنامه سعی دارد به بررسی نقش زنان در ساختن دنیای بهتر با استفاده از دیدگاه و بینش امرمبارک بپردازد آنچه مسلم است تحقق این امر بدون کمک و مساعدت و نیز تغییرنگرش و بینش مردان در این خصوص، امکان پذیر نخواهد بود. مطمئناً هدایت مطلب از سوی شما می تواند سبب تأمل و تفکر بیشتر گردد.

شعر "بانوی ایرانی" قبلاً توسط عزیزان هنرمند بر روی کلیپی اجراء گردیده است در صورت امکان می توانید در این بخش کلیپ مربوطه را نمایش دهید.

پرتوان و موفق باشید

هُوَ اللَّهُ

ای پروردگار این کنیزان را در ملکوت عزّت عزیز نما و این اماء رادر آستان مقدّست مقبول فرما قلبشان را منور کن و روحشان را مطهر فرما مشامشان را معطر کن تا سزاوار آستان احدیّت گردند و به عبادت و خدمت و تضرّع و عجز و نیاز پردازند به ذکر تو زنده گردند و به محبّت تو حیات جاودانی یابند انت الکریم و انت الرّحیم و انت العزیز الرّؤف الرّبّ القدیم . ع ع

مجموعه مناجاتهای چاپ آلمان ص ۴۷۲

۲- لوح مبارک حضرت بهاء الله

بسمی الناطق امام وجوه العباد

امروز مقصود من فی الارض والسّماء ومالک ملکوت الاسماء به این کلمات عالیات نطق می فرماید، یا امائی واوراقی ندای سدره مبارکه را به گوش جان بشنوید و به ذیل اطهر انورش تشبّث جوئید شاید فائز شوید به آنچه که از قلم اعلی درصحیفه حمرا مذکور و مسطوراست، جمیع نساء عالم مخصوص عرفان حضرت مقصود ازعدم به وجود آمده اند و لکن اکثری ازاین مقام غفل و محجوبند، قسم به آفتاب حقیقت که از افق سجن عکاء اشراق نموده، جمیع خزائن ارض و زُخْرُفها والوانها به کلمه مبارکه یا امّتی معادله نمی نماید

رشحات حکمت ج ۳ ص ۳۳۴

۳- مجموعه نصوص مبارکه حضرت بهاء الله

"جمیع اماء را وصیّت مینمائیم به تنزیه اکبر و عصمت کبری و قیام بر اموری که سبب ارتفاع امرالهی است مابین نساء".

ص ۱۶۵ ج ۵ آثار قلم اعلی

"ای کنیزان حق جهد کنید تا مصدر امور خیریه واقع شوید و ذکرتان به دوام ذکر اکبر پاینده و باقی ماند

پیام آسمانی ج ۱ ص ۱۰۰

"اکثری از رجال از شطر ذی الجلال محروم مانده اند. از فضل الهی شاید نساء بر امرش قیام نمایند و به ذکرش ناطق شوند و به شطرش متوجه گردند. ای کنیز حق، الیوم کل، در صقع واحد بین یدی الله مذکورند هر نفسی به حق اقبال نمود از اهل بهاء محسوب و از رجال اعراف مذکور."

پیام آسمانی ج ۱ ص ۱۰۰

نساء مؤید به قوه قاهره و نفوذ کامله اند

هو الله

ای ورقه مطمئنه، چون در جهان حوادث و اخبار و تاریخ قرون و دهور و اعصار نگری، اعظم وقایع و آثار در ممر اعصار از جنس نساء صادر و ظاهر. ولی بعضی، مظاهر آیات کبری بودند و بعضی اسیر سطوت نفس و هوی. یکی سبب حیات ابدی جهان و جهانیان شد و دیگری سبب ممت سرمدی بیچارگان. پس معلوم شد که این ماده مؤید به قوه قاهره و نفوذ و قدرت کامله است؛ ولی تا این قوت و قدرت را در چه موردی صرف نماید. اگر در سبیل الهی و انجذاب رحمانی صرف نماید، حقیقت نورانیته، آیه الله الکبری، مشهود گردد. و اگر در وساوس شیطانی صرف نماید، "انّه من کیدکنّ انّ کیدکنّ عظیم" رخ گشاید. پس، از خدا بخواه که مظهر آیت کبری گردی و مطلع موهبت عظمی. و البهاء علیک ع ع

(مجموعه مکاتیب حضرت عبدالبهاء، شماره ۸۵، ص ۳۰۵)

۵- مجموعه نصوص مبارکه حضرت عبدالبهاء

"الیوم سزاوار اماء الله اینست که به عصمت کبری و عفت عظمی و ثبوت در دین الله و رسوخ در میثاق الله و نورانیت قلب و روحانیت صرف و تذکر دائمی و کمال حقیقی و حسن اطوار و حلاوت گفتار و خوشی رفتار در بین نساء عالم محشور گردند. امیدوار از فضل پروردگارم که اماء الله کلّ باین قمیص بدیع و ثوب جلیل، هیکل وجود را بیاریند تا هریک از ملکوت تقدیس انّ الله طهرک و اصطفاک علی نساء العالمین (*). بگوش هوش بشنوند."

ص ۱-۱۳۰ ج ۲ منتخبات مکاتیب حضرت عبدالبهاء

"در بعضی موارد حضرات نساء استعداد عجیبی دارند سریع الانجذابند و شدید الالتهاب. باری شب و روز اوقات را حصر دربیانات و تحصیل کمالات نمائید و همواره در این خصوص بمذاکرات پردازید. چون یکدیگر را ملاقات کنید هر یک دیگری را بشارت دهد و بعنایات و الطاف حی. قدیم امیدوار کند و از دلیل و برهان دم زند و باسرار ملکوت زبان بگشاید تا در هیکل امکان روح حقیقی سریان نماید و اسرار ماکان و مایکون واضح و مشهود شود. ای کنیزان عزیز الهی نظر با استعداد و لیاقت خود نکنید بلکه اعتماد بر الطاف و عنایات جمال مبارک داشته باشید زیرا آن فیض ابدی گیاه را شجره مبارکه نماید و سراب را، بارد و شراب کند ذره مفقود را جوهر وجود نماید و نمله معدوم را، ادیب دبستان علوم فرماید. از خار گل برویاند و از خاک سیاه ریاحین معطر پر بها انبات نماید. سنگ را لعل بدخشان کند و صدف دریا را مملو از گوهر تابان فرماید. طفل نو آموز را ادیب دبستان کند و جنین مهین را "فتبارک الله احسن الخالقین"، فرماید انّ ربی لعلی کل شیء قدیر ع ع"

ص ۶-۱۳۵ ج ۷ مکاتیب حضرت عبدالبهاء

"رجال در جميع ادوار مرد میدان بودند و صفدر لشکر طغیان. ولی در این کوراعظم، نسائی قیام نمایند، که غبطه مردان گردند و رشک رستم دستان. پای استقامت محکم و استوار نمایند که نام هر نامداری از دفتر آفاق محو کنند. یعنی به نطقی فصیح و ثنائی بلیغ و جنانی قوی و قدمی راسخ و دلی ثابت و بیانی واضح و تبیانی لائح، در ظل کلمه الهیه محشور گردند."

پیام آسمانی ج ۱ ص ۱۰۱

"اگر جمعیت نساء ترقی و اقتدار پیدا نماید، بسیاری از امور را که رجال از عهده بر نمی آیند، جاری و مجری خواهند داشت."

آهنگ بدیع سال سوم ش ۱۸

۱۳- مناجات خاتمه

هُوَ اللَّهُ

ای ورقه طیبیه، دست تضرع بدرگاه احدیت دراز کن و عجز و نیاز کن که ای بی نیاز این کنیز ناچیز را در آستان مبارکت قبول فرما و این بال و پر شکسته را در هوای قدس عنایت پرواز ده این فقیره رابه کنز غنا دلالت فرما و این ذلیله را بدرگاه عزت هدایت کن ع

مکاتیب ج ۷ ص ۱۴۵

۶- این قرن بدیع شئونات رجال را بیشتر ممزوج با کمالات و فضائل نسوان نماید

می توانیم جامعه ی پدرسالار را با این وجوه مشخصه توصیف نمائیم: قدرت، حاکمیت، اختیار و نفوذ، پیروزی، مالکیت، قانون، شجاعت و نیرو از بیشترین ارزش برخوردارند. تأثیر عمده ی متقابل گروه ها بر یکدیگر رقابت و منازعه است. هدف وسیله را توجیه می کند. نتایج به صورت پیروزی یا شکست بیان میشوند. در چنین جامعه ای فقط برنده ها هستند که امتیاز می گیرند، نه بازنده ها. این جامعه در سنن، مؤسسات، تمدن و تسلط بر عالم طبیعت خلاصه می شود. این تمایل وجود دارد که قدرت، متمرکز گردد زیرا این یکی از راههای به دست آوردن قدرت بیشتر است. بر عکس در جامعه ی مادرمحور بالاترین ارزشها عبارتند از: پرورش، زندگی بخشیدن، عشق، حساسیت، طبیعی بودن، خلاقیت، کارکردن با طبیعت و حمایت از دیگران. تأثیر متقابل گروهها بر یکدیگر مشارکت و تعاون است. وسیله به اندازه ی هدف مهم است. بهبود شرایط برای همه، میزانی است برای سنجیدن پیروزی و موفقیت. این جامعه با عالم طبیعت هماهنگ است. مشارکت و تصمیم گیری بر مبنای مشورت، که شدیداً مورد قبول این جامعه است، در جوامع کوچک مستقل انجام می شود.

حال اصل تساوی زن و مرد در دیانت بهائی در ارتباط با مطالب فوق چه مفهومی دارد؟ بسیاری از افراد گمان می کنند این بدان معناست که در جامعه ی ما باید قدرتی مساوی با مردان به زنان داده شود «اعطای قدرت» عبارتی است که در این رابطه متداول

شده است. اما حضرت عبدالبهاء زنانه کردن خود جامعه را طلب کرده اند. جامعه ای را خواستند که در آن قدرت اهمیت کمتری داشته باشد.

«در ایام گذشته عالم اسیر سطوت و محکوم قساوت بوده و رجال به قوه ی شدت و صلابت جسماً و فکراً بر زنان تسلط یافته بودند. اما حال این میزان بهم خورده و تغییر کرده قوه اجبار رو به اضمحلال است و ذكاء عقلانی و مهارت فطری و صفات روحانی یعنی محبت و خدمت که در نسوان ظهورش شدیدتر است، رو به علو و سمو و استیلاست. پس این قرن بدیع شئونات رجال را بیشتر مزوج با کمالات و فضائل نسوان نماید...»

البته حضرت عبدالبهاء بر تعریف مجدد کلمات خاصی که از دیرباز با ارزشهای مردانه ی پدرسالاری ملازمه داشته اند، تأکید می فرمایند. برای مثال کلمه ی «پیروزی» را در نظر بگیرید. ایشان می فرمایند که دیانت بهائی «انتصارش در تسلیم و تفویض است» (ترجمه) ... به همین ترتیب، حضرت عبدالبهاء مفهوم رقابت را از نقش معمولش در یک خانه ی مردانه، که همان بدست آوردن قدرت است، دگرگون نموده، در عوض آن را به وسیله ای در عرصه ی خدمت ارتقاء می دهند: «در خدمت حق و امر او بر یکدیگر سبقت بگیرید. این است آنچه که شما را در این جهان و جهان دیگر به کار آید.»

بنابراین می توان پذیرفت که آنچه دیانت بهائی درصدد تحقق آن است، تأسیس جامعه ای نیست که در آن زنان از قدرت بیشتری برخوردار باشند، بلکه ایجاد جامعه ای است که در آن از اهمیت قدرت، به عنوان یک ارزش، تا حد زیادی کاسته شده باشد. در چنین جامعه ای زنان، نه از طریق رقابت با مردان در یک ساختار قدرت، بلکه از طریق ابراز نمودن فضائل خودشان قادرند که مساوی مردان گردند.

در تمام امور مهم، زنان به حساب نمی آیند نوشته جناب موژان مؤمن

۷- نقش زنان در ترویج صلح

در آثار بهائی به صراحت آمده که مشارکت زنان در اداره ی امور عالم ضرور است، چه زنان به طبیعت طرفدار صلح هستند و صلح بنیادگذار آینده ی بشریت خواهد بود.

سخن را با کلامی چند از حضرت عبدالبهاء آغاز می کنیم که فرموده اند: "اگر چنان چه مساوات حقوق بین نساء و رجال در جمیع عالم تحقق یابد، شبهه ای نیست که دنیا از شر جنگ آسوده می شود، زیرا آن وقت نساء به هیچ وجه راضی به حرب نمی شوند. آیا دختری یا زنی هست که میل دارد، پدرش یا شوهرش یا پسرش یا برادرش به میدان حرب رود، تا بکشد یا کشته شود و یا اسیر بیافتند یا مجروح ... برگردد؟ لا والله، ولو هزار نشان هم بگیرد، هرگز نساء راضی نمی شوند..." در مورد رابطه ی زن با صلح تاکنون پنج نظریه ی مهم ارائه شده است که به اختصار تمام در این جا بیان می کنیم:

نظریه ی اول بیولوژیک و حاکی از آن است که زنان از نظر فطری و حیاتی کمتر از مردان به خشونت و تعدی تمایل دارند.

نظریه‌ی دوم، نظریه‌ی ذاتی است برطبق این نظریه، زنان ذاتاً بیش از مردان نسبت به افراد دیگر مهربان و دلسوز و اهل یاری و یآوری هستند. ملاحظه‌ی رفتار پسرپچه‌ها و دخترپچه‌ها دلالت بر این می‌کند که دخترها غالباً با عروسک خود نقش مادر یا پرستار را بازی می‌کنند، درحالی که پسرها از بازی خشن ابا ندارند.

نظریه‌ی سوم بر این مطلب تأکید می‌کند که در گذشته‌ی ایام، در همه‌ی بخش‌های زندگی و فعالیت، نیروی جسمانی یعنی زور، اهمیت داشت و چون مردان در خلقت زورمندتر از زنان هستند، از جنگ پرهیز نداشتند، در حالی که گرایش زنان بیشتر به صلح و مسالمت بوده است.

نظریه‌ی چهارم، نظریه‌ای است که میان موقعیت جنس زن و جنس مرد تفاوت قائل می‌شود و می‌گوید، همین که زنان کودکان را به دنیا می‌آورند، مانع از آن است که بتوانند مدت طولانی از خانه بیرون بمانند و در نتیجه طبعاً دفاع از خانه و خانواده به عهده‌ی مردان که چنین محدودیت را ندارند، محول می‌شود.

نظریه‌ی پنجم تأثیر فرهنگ و یادگیری را متذکر می‌شود و می‌گوید از آغاز زندگی، پسران در دسترس خود اسباب بازی جنگی و مانند آن را داشته‌اند، در حالی که دختران هم از آغاز به سوی نقش‌هاوارزش‌های متفاوتی هدایت شده‌اند، از قبیل نقش همسری، نقش پرستاری، میل زیبایی و جذابیت که در نتیجه طبیعت آنان را به سوی صلح می‌کشاند.

حاصل این نظریه‌ها یک چیز است و آن این که زنان به فرهنگ صلح بیشتر از مردان گرایش دارند، ولی علاوه بر این گرایش طبیعی یا ذاتی، یا محصول موقعیت خاص زنان در جامعه، به شهادت تاریخ، زنان عملاً در اعاده‌ی صلح و استقرار و استمرار آن، بارها و بارها قیام کرده و اهتمام ورزیده‌اند. جنگ و نزاع محصول جوامعی است که مردان آنها را متشکل ساخته‌اند. باید امیدوار بود که شرکت زنان در کنار مردان در پایگاه تصمیم‌گیری، جهت جامعه را دگرگون کند و صلح و سازش و ملایمت و جستجوی راه حل مرضی‌الطرفین را رواج و رونق بخشد.

سخن را با بیان گویایی از حضرت عبدالبهاء در این زمینه که در حدود صد سال قبل فرموده‌اند، پایان می‌دهیم: (ترجمه)
"در قدیم دنیا با زور اداره می‌شد و مرد چون جسماً و فکراً از زن قوی‌تر و زورمندتر بود، بر او غالب و مسلط بود، ولی حال وضع عوض شده و اعمال زور و عنف، تسلط خود را از دست داده است و اکنون هوشیاری و فهم و فراست فطری و خصایل روحانی [چون] محبت و خدمت که در زن قوی است، تفوق و غلبه یافته است و به این مناسبت عصر جدید بیشتر با عواطف و نوایای زنان آمیخته است تا با صفات مردان، ..."

مقاله‌ی نقش زنان در ترویج صلح، پژوهشگر، پیام بهائی، شماره‌ی ۲۵۶

۸- زنان و توسعه

مفهوم توسعه پایدار عمدتاً پاسخی به یأس رو به تزاید نسبت به الگوهای رایج توسعه است و یک همکاری و تشریک مساعی رو به گسترش بین سه حرکت مترقی و نوگرا و آینده‌نگر عظیم: صلح، محیط زیست و آزادی نسوان به وجود آورده است. عامل مشترک بنیادی این سه حرکت، نقش مهم و قابل ملاحظه‌ی زنان است. دهها سال است که طراحان و برنامه‌ریزان توسعه نسبت به نیازهای زنان غافل و بی‌توجه بوده‌اند، توجه کمی به وخامت وضع محیط زیست گردیده است و در تشخیص و ارتباط بین توسعه و صلح ناکام بوده‌اند. همگرایی این سه حرکت، ندای زنان را تقویت نموده و فریاد آنان را جهت حصول آینده‌ای روشن و پایدار برای فرزندان

و احفادشان قوی ساخته است. کی از راههایی که زنان از طریق آن به توسعه شکل تازه ای می بخشند، به عهده گرفتن پروژه های مربوط به خودشان است... زنان همچنین از طریق کار با سازمانهای غیر دولتی، شکل تازه ای به توسعه می دهند. .. جهان به ابتکار، مهارت، قوه تمیز، عزم و اراده و شفقت نیازمبرم دارد یعنی همان صفاتی که زنان ... از خود بروز دادند... شکست پایه های برنامه های توسعه کنونی، خود شاهد آشکاری بر نادیده گرفتن استعدادات و توانایی های زنان می باشد. اگر زنان تحصیل نمایند و در اتخاذ تصمیمات و سیاست در سطوح جامعه دخیل باشند، ملاحظه کنید چه مزایایی نصیب خانواده ها و جوامع و کل جهان خواهد گردید.

مشارکت کامل زن و مرد یکی از اهداف توسعه بهائی است. ... نظر جامعه بهائی این بود که ترقی پایدار مقام زنان مستلزم پذیرفتن اصل تساوی رجال و نساء است. تحقیق این اصل جامعه ای که بنا به سنت سخت عقیده دارند که زنان برای دیدن هستند تا شنیدن، آسان نیست.

این امر مستلزم تغییر ارزشهاست، تغییر از زیبایی ظاهری به زیبایی باطنی و درونی که عبارت است از اصالت، شخصیت، هویت و چگونگی ابراز وجود. زنان باید از حقوق خود آگاه باشند و از توانایی های خود مطلع گردند. باید آرزومند ترقی و کمال خود باشند و قوای بالقوه خود را بالفعل در آورند. در هر صورت، تعداد معدودی از زنان بدون حمایت مردان قادر به انجام این امر هستند. بنابراین این مردان باید فرصت درک و شناخت توانایی هایشان را به آنها بدهند و این امر بدان معنا نیست که مردان از این مسئله بی بهره خواهند ماند... تغییر و تحول مستلزم مشارکت زن و مرد، هر دو می باشد. زنان باید توانایی های خود را پرورش دهند و برای ایفا نمودن نقشی فعال در راه حل مشکلات جهان گام بردارند. مردان به سهم خود باید بیاموزند که با زنان همکاری و مشارکت کنند و مساعی آنان را تشویق نمایند. وقتی رجال به حمایت فعالانه از اصل مساوات بپردازند، دیگر لازم نیست زنان برای کسب حقوق خود متحمل دردسر شوند. بهائیان معتقدند، کم کم زن و مرد نگرش های ناصحیح دیرینه را کنار خواهند گذاشت و به تدریج ارزش های هدایتگر در زندگی و حیات خود را برای حصول وحدت حقیقی در هم ادغام می کنند چرا که بدون آن حصول تمدنی از لحاظ زیست محیطی پایدار غیر ممکن خواهد بود.

بیانیه های جامعه بهائی در رابطه با زنان

شعر: بانوی ایرانی

من زنم، بانوی ایرانی پر هوش و توان گر چه حوا بدنم، آدمم، انسان، انسان
مادرم، مادر "زرتشت"، پیام آور پارس "ماندانا"، مادر "کوروش"، جاودان رهبر پارس
آفریننده ی مردان شکوهنده منم افتخارم اما نیست به مردان که زنم
بجز آن عهد اهورایی تاریخ وطن دیگر ای مرد ندیدم ز تو آن حرمت زن

بردی از یاد که فرهنگ تو زن سوز نبود کیش اجداد تو بر زن ستم آموز نبود
خواب پرواز مرا فرصت تعبیر نبود و نه پره‌های مرا عیبی و تقصیر نبود
روزها رفت و زمان دگری آمد پیش بار سنگین ستم گشت ز طاقتها بیش
طاهره " فخر زنان پرده به یکسو افکند بند از دست و دل زن به کلامش بر کند "
«گر به تو افتدم نظر چهره به چهره رو به رو شرح دهم غم تو را نکته به نکته مو به مو»
«تو و مُلک و جاه و سکندری من و رسم و راه قلندری»

کم کم اندیشه‌ی آزادی زن اوج گرفت اقیانوس زنان جوش زد و موج گرفت
ادب و علم و هنر عرصه‌ی مردانه نماند زن دگر پرده نشین گوشه‌ی کاشانه نماند آسمان ادب از " پروین " غرق انوار عمر کوتاه چو

شهابش تیغ زد بر شب تار

آسمان هنر از نور "قمر" پر مهتاب دل ز آواز و ز آزادگی اش در تب و تاب
شعر ایران ز زنان یافت " فروغی " دیگر " فرخ " آن "زاده" ی ملک ادب و گنج هنر
بهبهانی " " سیمین " بانوی شعر ایران در صف اول پیکار مساوات زنان "
دو وکیل از پی هم پیشرو علم حقوق هر دو "مهر انگیز" و حق طلب و اهل وثوق
اولین قاضی زن شیر زنی بس پر دل حق "شیرین عبادی" است دوصد صلح نوبل
بسیارند زنانی که کنون بی پروا در ره حق و عدالت سر و جان کرده فدا

ریشه در خون و شرف دارد آزادی زن سایه گستر شود این شاخه به صحرای وطن نتوان سدّ ره سیل ضرورتها شد هر که سد بست به

سیلاب زمان رسوا شد

شور و مشورت

با عنایت به آنچه مطالعه نمودیم می توان نتیجه گرفت که " تغییر و تحوّل مستلزم مشارکت زن و مرد، هر دو می باشد. "

حال به نظر شما برای نیل به این تغییر و تحول در اجتماع انسانی

الف: سهم و نقش زنان چیست؟

ب: سهم و نقش مردان چیست؟